



## تأثیر رسانه‌های اصلی ایالات متحده بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران (۲۰۲۰-۲۰۰۷)



دکتر احسان اعجازی\* - دکتر ارسلان قربانی\*\*

دکتر رضا سیمبر\*\*\* - دکتر احمد جانسیز\*\*\*\*

### چکیده

رسانه‌های همگانی اصلی ایالات متحده، به مثابه رکن چهارم دموکراسی، تأثیر بسزایی بر سیاست داخلی این کشور می‌گذارند. با این وجود نقش رسانه‌های همگانی اصلی در ایالات متحده به حوزه سیاست داخلی محدود نمی‌شود، بلکه آنها همواره به سیاست خارجی این کشور شکل بخشیده‌اند. در دوران پس از انقلاب اسلامی، مسائل مرتبط با ایران در رسانه‌های همگانی ایالات متحده بازتاب وسیعی یافته است. از همین رو سوال اصلی این پژوهش از این قرار است که رسانه‌های همگانی اصلی ایالات متحده چه تأثیری بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران (۲۰۲۰-۲۰۰۷) داشته است؟ روش تحقیق مقاله، روش تحقیق مطالعه موردی کیفی است و هدف آن بررسی چگونگی بازنمایی ایران در رسانه‌های آمریکا است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که رسانه‌های آمریکایی- با بزرگنمایی برخی از موضوعات از قبیل برنامه هسته‌ای ایران از یک سو بر برداشت نخبگان سیاسی ایالات متحده از ایران تأثیری مخرب گذاشته‌اند و از سوی دیگر بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های منفی رهبران سیاسی آمریکا درباره ایران بوده‌اند. در واقع تأثیرگذاری رسانه‌های ایالات متحده بر نخبگان سیاسی آمریکا و تأثیرپذیری آنها از نخبگان سیاسی آمریکا در جهت تصویرسازی منفی از ایران در طول دو دهه گذشته استمرار داشته است.

### کلیدواژگان

رسانه‌های همگانی، سیاست خارجی ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران، واقع‌گرایی نوکلاسیک، نخبگان سیاسی

\* نویسنده مسئول، دکتری روابط بین‌الملل از دانشگاه گیلان / ایمیل: ehsan.ejazi@gmail.com

\*\* استاد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی / ایمیل: arsalangh@yahoo.com

\*\*\* استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان / ایمیل: rezasimbar@hotmail.com

\*\*\*\* دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان / ایمیل: jansiz@guilan.ac.ir

## مقدمه

از میان کشورهای صنعتی و یا به عبارت بهتر پسا صنعتی، ایالات متحده از یک نظام رسانه‌ای منحصر به فردی برخوردار است. فارغ از توجه به رسانه‌های آموزشی و سرگرمی محور این کشور، رسانه‌های خبری ایالات متحده چنان تأثیری بر سیاست داخلی و خارجی این کشور بر جای نهاده‌اند که دانشمندان علوم سیاسی و به خصوص علوم ارتباطات جمعی برخی از نظریات خود نظیر «تأثیر سی. ان. ان» را براساس نفوذ رسانه‌های خبری این کشور مطرح کرده‌اند. نفوذ رسانه‌های همگانی در ایالات متحده در حدی است که می‌توان چنین گفت که آنها از یک سو به برداشت و سوء برداشت رهبران سیاسی آمریکا شکل می‌دهند و از سوی دیگر بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های نخبگان سیاسی ایالات متحده هستند.

بنابراین درک رویکرد خاص رسانه‌های جمعی ایالات متحده نسبت به یک کشور می‌تواند به فهم سیاست خارجی ایالات متحده در قبال آن کشور کمک قابل توجهی نماید. در همین راستا جمهوری اسلامی ایران از اوایل پیروزی انقلاب اسلامی در صدر اخبار رسانه‌های خبری ایالات متحده قرار داشته است. رسانه‌های خبری ایالات متحده در رابطه با ایران به موضوعاتی از قبیل تسلیحات کشتار جمعی (اعم از تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک)، دموکراسی، حقوق بشر و پشتیبانی از تروریسم پرداخته‌اند. چنین تصویرسازی موجب شده است تا سیاست خصمانه ایالات متحده در قبال ایران، لاقبل در نظر مردم آمریکا، مشروع به نظر بیاید. از همین رو سوال اصلی این پژوهش از این قرار است که رسانه‌های همگانی اصلی ایالات متحده چه تأثیری بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران (۲۰۰۷-۲۰۲۰) داشته است؟ براساس فرضیه پژوهش، به نظر می‌رسد که رسانه‌های آمریکایی- با بزرگنمایی برخی از موضوعات از قبیل برنامه هسته‌ای ایران- از یک سو بر برداشت نخبگان سیاسی ایالات متحده از ایران تأثیری مخرب گذاشته‌اند و از سوی دیگر بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های منفی رهبران سیاسی آمریکا درباره ایران بوده‌اند. به منظور انجام این پژوهش، نویسندگان روش مطالعه موردی را به عنوان یکی از روش‌های کیفی برگزیده‌اند. از آن جایی که در این پژوهش از نظریه واقع گرایی نوکلاسیک بهره گرفته شده است نویسندگان، رسانه‌های اصلی ایالات متحده را به عنوان متغیر مداخله‌گر (متغیری که تأثیر متغیر مستقل، یعنی فشار سیستمیک، بر متغیر وابسته، یعنی سیاست خارجی خصمانه آمریکا علیه ایران، را جرح و تعدیل می‌کند) مورد مطالعه خود قرار داده‌اند. در همین راستا فشار سیستمیک به عنوان متغیر مستقل و سیاست خارجی ایالات متحده به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. از آنجایی که از سال ۲۰۰۶ به بعد با صدور قطعنامه‌های شورای امنیت، ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد، بحران بین ایران و ایالات متحده به سطح بین‌المللی گسترش پیدا کرد، این پژوهش بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۷ را انتخاب کرده است. همچنین در این بازه زمانی سه رئیس جمهور، با

رویکرد سیاسی کاملاً متفاوت (جرج دبلیو بوش، باراک اوباما<sup>۲</sup> و دونالد ترامپ<sup>۳</sup>) در کاخ سفید حضور داشته‌اند.

به دلیل تعدد رسانه‌های اصلی ایالات متحده، از میان هر کدام از شبکه‌های تلویزیونی و مجلات سیاسی، به روش «گلچینی»<sup>۴</sup> چهار رسانه به عنوان رسانه‌های مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. همچنین برای دستیابی به نتیجه‌ای دقیق‌تر، هر کدام یک از این شبکه‌ها و مجلات به یکی از دو طیف سیاسی اصلی آمریکا تعلق دارند. در همین راستا شبکه «سی. ان. ان» و مجله «فارین فرز» در طیف لیبرال و شبکه «فاکس نیوز» و مجله «فارین پالیسی» در طیف محافظه‌کار قرار دارند.

### ۱- پیشینه پژوهش

در پژوهشی با عنوان «اخبار تلویزیون و سیاست خارجی ایالات متحده» به نوشته «ایتان گیلبوآ» چنین نتیجه گرفته شده است که پوشش ۲۴ ساعته اخبار جهان در شبکه‌های تلویزیونی ایالات متحده، سیاستگذاری در عرصه خارجی را پیچیده‌تر کرده است. در واقع «اخبار تلویزیون به منبع اطلاعات سیاستگذاران تبدیل شده و سرعت ارتباطات دیپلماتیک را افزایش داده است و همچنین سبب شده است تا انتظار عمومی در خصوص دستیابی به نتیجه افزایش یابد. در نهایت در این پژوهش به این موضوع اشاره شده است که سیاستگذاران نمی‌توانند چالش‌های اخبار تلویزیونی را از بین برند، بلکه تنها می‌توانند آنها را تا حدودی کنترل کنند» (Gilboa, 2003: 109). عوامل گوناگونی در پیچیدگی سیاست خارجی نقش دارند و در نتیجه نمی‌توان آن را تنها به نقش رسانه‌ها نسبت داد. در پژوهشی دیگری با عنوان «پوشش بین‌المللی، سیاست خارجی و تصویر ملی: بررسی پیچیدگی‌های پوشش رسانه‌ای، افکار عمومی و برنامه ریاست جمهوری»، به نوشته «کیو ژانگ» و «چارلز ویلیام مدو» بر این فرضیه صحه گذاشته می‌شود که کشورهایی که در رسانه‌های آمریکا برجسته می‌شوند اهمیت آنها در نزد مردم آمریکا به شکل قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند» (Zhang & Meadows, 2012: 88). نویسندگان این مقاله دلایل نفوذ سیاستمداران آمریکایی را تا حدودی به حضور آنها در رسانه‌ها تقلیل می‌دهند، در حالی که نفوذ افراد می‌تواند منابع متعددی داشته باشد.

تاکنون چندین پژوهش در خصوص پوشش خبری رسانه‌های همگانی ایالات متحده آمریکا از مسائل مرتبط با ایران منتشر شده است. در پژوهشی سرمقاله‌های چندین روزنامه نظیر «نیویورک

<sup>1</sup> - George W. Bush

<sup>2</sup> - Barack Obama

<sup>3</sup> - Donald Trump

<sup>4</sup> - Eclecticism

تایمز»، «واشنگتن پست» و «وال استریت ژورنال» مورد بررسی قرار گرفته است. این روزنامه‌های در گزارش‌های خود بر این موضوع تأکید کرده‌اند که «دولت جمهوری اسلامی ایران برای ایالات متحده آمریکا یک تهدید به شمار می‌رود» (Izadi & Saghaye-Biria, 2007: 162). محدود کردن دایره تحقیق به دو روزنامه آمریکایی و نادیده‌انگاری نقش شبکه‌های خبری تلویزیون در دنیای امروز چندان نمی‌تواند به طور کامل بازتاب‌دهنده تصویرسازی رسانه‌های آمریکایی از ایران باشد. در صورتی که در پژوهش پیش‌رو تلاش شده است تا علاوه بر رسانه‌های مکتوب به نقش بی‌بدیل شبکه‌های خبری تلویزیونی هم توجه شود. در پژوهش دیگری با بررسی دو روزنامه «نیویورک تایمز» و «واشنگتن پست» مشخص شد که «پوشش خبری رسانه‌های آمریکایی با سیاست خارجی ایالات متحده سازگار بوده به گونه‌ای که آنها ایران را به عنوان یک دولت بنیادگرا به تصویر کشیده‌اند» (Abdul Siraj & Rawan, 2010: 85). در این پژوهش نیز تنها به نقش دو روزنامه اشاره شده است. همچنین همپوشانی فراوان این دو مقاله خالی از ایراد نیست. علاوه بر دو مقاله پژوهشی فوق‌الذکر، در تحقیقی دیگر درباره دو مجله «نیوزویک» و «تایم» چنین استدلال شده است که «بر طبق گفتمان «شرق‌گرایی»<sup>۱</sup> و منازعه بین تمدنی، اسلام به عنوان یک تهدید در برابر مدرنیته شناخته می‌شود و این امر در دوران انقلاب اسلامی ایران و بحران گروگانگیری در رسانه‌های آمریکا بازتاب یافت» (Fayyaz & Shirazi, 2013: 69). این پژوهش هم تنها نقش این دو رسانه را در یک بستر تاریخی بررسی کرده است و از توجه به رویدادهای دوران جدید امتناع ورزیده است، در حالی که پژوهش کنونی تلاش دارد تا تأثیر رسانه‌ها را در ابتدای قرن بیست و یکم در کانون بررسی خود قرار دهد. همچنین در پژوهشی با عنوان «بازنمایی ایران در اخبار شبکه‌های تلویزیونی آمریکا (تحلیل گفتمان انتقادی اخبار سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی در ارتباط با توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۱+۵)» که توسط «محمدباقر سپهری» انجام شده است، با آن که از طریق روش کیفی توانسته است رویکرد منفی شبکه سی‌ان‌ان در قبال ایران را نشان دهد، اما فقط به توصیف اکتفا کرده و تأثیر آن بر سیاست خارجی آمریکا را مورد بررسی قرار نداده است (سپهری، ۱۳۹۷: ۱۹۲). در پژوهشی دیگر با عنوان «تصویرسازی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های تلویزیونی بین‌المللی»، نوشته «محمد مهدی فرقانی» و «علی احمدی» عملکرد دو شبکه «سی.ان.ان» و «فاکس نیوز» را به همراه شبکه‌های دیگر خبری بین‌المللی بررسی کرده است، در صورتی که سیاست‌های خبری این دو شبکه با دیگر شبکه‌های بین‌المللی ذکر شده در این پژوهش مانند فرانس ۲۴، بی.بی.سی، الجزیره و العربیه به طور اساسی تفاوت دارد. به طور مثال، شبکه الجزیره گاهی گزارش‌های مثبتی درباره ایران منتشر می‌کند (فرقانی و

<sup>۱</sup> - Orientalist

احمدی، ۱۳۹۰: ۶۳).

در پژوهش‌های فوق‌الذکر تنها به تصویرسازی روزنامه‌ها و مجلات مهم ایالات متحده از ایران اشاره شده است در حالی که در پژوهش پیش رو کوشش شده است تا تأثیر مهم‌ترین رسانه‌های همگانی اصلی ایالات متحده (در قالب بنیان درونی) بر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران بررسی شود و نشان داده شود که آنها چه رویکردی در قبال ایران در پیش گرفته‌اند و پوشش خبری آنها از ایران چه تأثیری بر برداشت رهبران سیاسی ایالات متحده از ایران می‌گذارد و بالعکس رسانه‌های آمریکایی چه تأثیری از دیدگاه‌های نخبگان سیاسی ایالات متحده (در رابطه با ایران) می‌پذیرند.

برای بررسی تأثیر رسانه‌ها بر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران (۲۰۰۷-۲۰۲۰) تعداد معدودی از رسانه‌های جمعی خبری ایالات متحده که در این پژوهش «رسانه‌های اصلی» نامیده شده‌اند و موضوع سیاست خارجی در آنها پوشش وسیعی داده می‌شود، برگزیده شده‌اند. این رسانه‌ها عبارتند از: شبکه‌های تلویزیونی «سی. ان. ان» و «فاکس نیوز»، مجلات «فارین پالیسی» و «فارین افرز». اهمیت این چهار رسانه به حدی است که می‌توان آنها را «سیاسی‌ترین» رسانه‌های ایالات متحده در عرصه سیاست خارجی برشمرد.

## ۲- مبانی نظری برای فهم رسانه‌های آمریکا

واقع‌گرایی نوکلاسیک، به عنوان یک نظریه سیاست خارجی، «تأثیرگذاری قدرت نسبی دولت در نظام بین‌الملل (به عنوان متغیر مستقل) از طریق ساختار دولت و ادراکات، برداشت‌ها و سوبرداشت‌های تصمیم‌گیرندگان از قدرت نسبی کشور (به عنوان متغیر میانجی) بر سیاست خارجی و رفتار و راهبرد کشورها در نظام بین‌الملل (به عنوان متغیر وابسته) را ارزیابی می‌کند» (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۰: ۲۷۹). همان‌طور «گیدئون رز»<sup>۱</sup> تصریح می‌کند واقع‌گرایی نوکلاسیک از لحاظ الحاق متغیرهای مداخله‌گر داخلی با واقع‌گرایی ساختاری متفاوت است. این متغیرهای مداخله‌گر داخلی مشخص می‌کنند که آیا، و چگونه دولت‌ها در برابر فشارهای سیستمیک بین‌المللی - که همه واقع‌گرایان تصور می‌کنند که شالوده سیاست خارجی، استراتژی کلان و سیاست بین‌الملل را تشکیل می‌دهد - واکنش نشان می‌دهند. به طور کلی «متغیرهای

<sup>1</sup> - Mainstream Media

<sup>2</sup> - CNN

<sup>3</sup> - Fox News

<sup>4</sup> - Foreign Policy

<sup>5</sup> - Foreign Affairs

<sup>6</sup> - Gideon Rose

مداخله‌گر داخلی را به چهار دسته کلی تقسیم نمود: ۱) برداشت و تصور رهبران دولتی؛<sup>۲</sup> فرهنگ استراتژیک؛<sup>۳</sup> روابط دولت و جامعه؛<sup>۴</sup> ترتیبات (آرایش) نهادی داخلی.<sup>۵</sup> البته سه متغیر داخلی دیگر را می‌توان شناسایی نمود که به طور بالقوه واکنش سیاست خارجی ملی در برابر محرک فشارهای سیستمیک را دچار اختلال و انحراف می‌کنند: ۱) برداشت (از محرک سیستمیک)،<sup>۶</sup> ۲) تصمیم‌گیری،<sup>۳۶</sup> ۳) اجرای سیاست» (Ripsman & Others, 2016: 59).

با این وجود آن چه که در این پژوهش حائز اهمیت است شکل‌گیری تصور و انگاره‌های رهبران سیاسی و تأثیر آن بر سیاست خارجی است. در نتیجه در این بخش تنها به توضیح متغیر داخلی تصور رهبران سیاسی اکتفا می‌شود.

تصور رهبران یکی از مهمترین متغیرهای مداخله‌گر به باورها و تصورات تصمیم‌گیرندگانی مربوط می‌شود که در راس یک دولت جای گرفته‌اند. «ما می‌توانیم این افراد را مجریان سیاست خارجی بنامیم: رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، دیکتاتور، اعضای تأثیرگذار کابینه دولت، وزرا و مشاوران سیاست خارجی و دفاعی. این مجریان سیاست خارجی معمولاً اطلاعات محرمانه را در اختیار دارند و همچنین به اطلاعات مرتبط با کشورهای خارجی دسترسی انحصاری دارند. در نتیجه مهمترین بازیگرانی که برای تبیین سیاست خارجی و استراتژی کلان بایستی بر روی آنها تمرکز کرد، مجریان سیاست خارجی هستند. تصورات رهبران مهم هستند چرا که تصورات آنها بر برداشت دولت از محرک فشار سیستمیک تأثیر می‌گذارد. بر همین اساس مدل‌های روان‌شناختی مجموعه‌ای گسترده از محدودیت‌های شناختی را به دست می‌دهند که تصمیم‌گیرندگان سیاسی چگونه اطلاعات را در مواقع بحرانی تجزیه و تحلیل می‌کنند یعنی زمانی که اطلاعات فراوان، ناقص و متناقض هستند. این مدل بر مجموعه‌ای از عوامل شناختی نظیر کدهای عملیاتی (نگاه به سیاست، تعریف از خود و از دشمن و ...)، درس از تاریخ، نقش شخصیت، پویایی‌های گروه، تفکرگروهی و باور رهبران دولتی و تصمیم‌گیرندگان تمرکز می‌کند» (Ripsman & Others, 2016: 61-62).

در این میان یکی از متغیرهای درونی که بر تصور و برداشت رهبران سیاسی تأثیر می‌گذارد، رسانه‌های همگانی هستند. در چنین شرایطی از یک سو رسانه‌های همگانی بر برداشت رهبران

<sup>1</sup> - Images and Perceptions of State Leaders

<sup>2</sup> - Strategic Culture

<sup>3</sup> - State -Society Relations

<sup>4</sup> - Domestic Institutional Arrangements

<sup>5</sup> - Perception

<sup>6</sup> - Decision Making

سیاسی تأثیر می‌گذارند و از سوی دیگر پوشش خبری رسانه‌های همگانی متأثر از دیدگاه‌ها و برداشت‌های رهبران سیاسی است. «در واقع رهبران سیاسی در آمریکا می‌توانند در قالب دیپلماسی عمومی و از طریق رسانه‌ها، افکار عمومی را در جهت سیاست‌های خود سوق دهند. آنها به خوبی دریافته‌اند که دیپلماسی عمومی و قدرت نرم برای جذب و ترغیب مردم عادی برای حمایت از سیاست، چه داخلی و چه خارجی، اهمیت روزافزونی یافته است. در همین راستا پیشرفت فناوری ارتباطات با کاهش هزینه انتقال اطلاعات، ابزار مناسبی را برای اقناع افکار عمومی در اختیار سیاستگذاران گذاشته است» (Nye, 2019: 10). در همین راستا، دیپلماسی عمومی به عنوان یک فرآیند بین «یک بازیگر دولتی با یک بازیگر غیردولتی»، «یک بازیگر غیردولتی با یک بازیگر غیردولتی دیگر» و «یک دولت با دولت دیگر» در نظر گرفته می‌شود. با این وجود «در بسیاری از موارد دیپلماسی عمومی به عنوان تبادل شدید اطلاعات بین دولت‌ها و بازیگران غیردولتی توصیف شده است» (Sevin, 2017: 21).

ایران و حوادث مرتبط با آن از جمله موضوعاتی است که همواره مورد توجه رسانه‌های جمعی ایالات متحده قرار گرفته است. «رسانه‌های جمعی اصلی» در ایالات متحده با بهره‌گیری از کارویژه‌های فوق‌الذکر تلاش دارند تا موضوعات مرتبط با ایران را همواره تازه نگه دارند. در دوران پس از انقلاب اسلامی، رسانه‌های جمعی ایالات متحده توجه خاصی به مسئله جمهوری اسلامی ایران کرده‌اند به گونه‌ای که هر پدیده مرتبط با ایران را پوشش خبری داده‌اند. با این وجود پوشش خبری مرتبط با ایران در دوران مختلف و در خصوص موضوعات گوناگون از شدت و حدت متفاوتی برخوردار بوده است. با این حال «رسانه‌های جمعی اصلی» در ارتباط با ایران به چهار موضوع اصلی پرداخته‌اند که عبارت از: ۱) برنامه هسته‌ای ایران، ۲) حقوق بشر، ۳) پشتیبانی از تروریسم، ۴) ترویج دموکراسی در ایران.

اما در یک دهه اخیر موضوع برنامه هسته‌ای ایران و ادعای حمایت ایران از گروه‌های تروریستی در صدر توجه رسانه‌های اصلی ایالات متحده قرار داشته است. به ویژه چهار رسانه‌ای که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند دو موضوع فوق را به طور گسترده پوشش داده‌اند.

### ۳- تاریخچه‌ای از سیاست‌های رسانه‌ای آمریکا در قبال ایران

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و مسئله تسخیر سفارت آمریکا در تهران، رسانه‌های مکتوب و تصویری ایالات متحده موضوع ایران را یکی از کانون‌های پوشش رسانه‌ای خود قرار داده‌اند. «میلیون‌ها آمریکایی که تظاهرات ایرانی‌ها را در اخبار شبانه تلویزیونی مشاهده می‌کردند، سودمندی و نقش ایالات متحده در جهان را زیر سوال بردند» (Maloney, 2019). همچنین، «در دوران انقلاب اسلامی، گزارش رسانه‌های مکتوب و تصویری آمریکایی از وقایع ایران بسیار

قوم‌مدارانه، ایدئولوژیک و خیال‌آمیز بوده است» (Dorman & Farhang, 1988: 153). از سوی دیگر، «رسانه‌های آمریکایی از وجود اختلاف شدید میان نهادهای حکومتی آمریکا درباره نحوه برخورد با حوادث ایران خبر می‌دادند. به طور مثال، در هشت دی ۱۳۵۷، آسوشیتدپرس گزارش داد که بر سر حمایت بی‌قیدوشرط آمریکا از شاه ایران در ماه‌های گذشته، بین وزارت امور خارجه آمریکا و کاخ سفید اختلاف شدیدی وجود دارد. به گزارش این خبرگزاری مقام‌های وزارت امور خارجه خطای «برژینسکی» مشاور امنیت ملی «جیمی کارتر» را در اعلام حمایت بی‌قیدوشرط از شاه ایران نابخشودنی می‌دانند» (موحد، ۱۳۶۳: ۳۴۵).

به طور کلی گرایش ایدئولوژیک رسانه‌های آمریکایی در قبال ایران در طول چهار دهه انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرد و فارغ از این که رسانه‌های آمریکایی متعلق به جناح محافظه‌کار (مانند فاکس نیوز) یا جناح لیبرال (مانند سی.ان.ان) باشند، همواره سعی کرده‌اند تا تصویری مخدوش از نظام سیاسی ایران به مخاطبان خود ارائه دهند. حتی «در دوران جنگ تحمیلی رسانه‌های مشهور آمریکایی نظیر «نیویورک تایمز»، «تایم» و «نیوزویک» رویکرد انتقادآمیز از ایران در پیش گرفتند به طوری که در این دوران، ۹۲ مقاله از ۱۶۳ مقاله این نشریات که درباره ایران منتشر شده است، به طور جدی به موضوع تسخیر سفارت آمریکا در ایران انقلابی پرداختند» (Dada, 2007: 34). چنین رویکردی در رسانه‌های آمریکایی در این بستر تاریخی چهل‌ساله به صورت متناوب تکرار شده است به گونه‌ای که می‌توان تصویرسازی منفی از ایران را در زمان حوادثی از قبیل سقوط هواپیمای مسافربری ایران بر فراز خلیج فارس، ارتحال امام خمینی<sup>(ره)</sup>، تحریم‌های آمریکا علیه ایران و نیز انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ به طور کامل مشاهده کرد. «در دوران ریاست‌جمهوری «جرج بوش»، که ایران را در محور شرارت قرار داد، تفاوتی بین لحن تند بولتن وزارت امور خارجه ایالات متحده با لحن مقالات این سه نشریه پرنفوذ آمریکایی وجود نداشت که نشان می‌دهد در برخی موارد رویکرد رسانه‌های آمریکایی در قبال جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه خصمانه است» (Dada, 2007: 36). در واقع، «در همه اسناد امنیت ملی ایالات متحده به طور اغراق‌آمیزی تلاش شده است تا با بزرگ‌نمایی تهدیدات ایران، مسئله ایران را به مسئله‌ای امنیتی تبدیل کنند» (درج و التیامی‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۱۸). پیگیری چنین رویکردی را می‌توان در طول دو دهه اول قرن بیست و یکم به خوبی در رسانه‌های ایالات متحده هم مشاهده کرد.

#### ۴- نقش رسانه‌های آمریکا در بر سیاست خارجی آن در قبال ایران

در این بخش تلاش می‌شود تا نقش رسانه‌های اصلی ایالات متحده آمریکا در سیاست خارجی این کشور در قبال ایران بررسی شود، هم نقش دو شبکه تلویزیونی و هم نقش دو مجله اصلی.



#### ۴-۱- نقش شبکه‌های تلویزیونی

بدیهی است که در دوران کنونی، و به ویژه پیش از فراگیر شدن اینترنت، مردم عادی از میان رسانه‌های متدوال تلویزیون را انتخاب می‌کردند و می‌کنند. «علت این امر را می‌توان ویژگی تصویری تلویزیون دانست به گونه‌ای که این رسانه توجه مخاطب را به طور کامل به خود جلب می‌کند. همچنین می‌توان امکان حق انتخاب را یکی از دلایل اقبال عمومی به تلویزیون به شمار آورد» (Dagnes, 2010: 69).

#### ۴-۱-۱- شبکه سی.ان.ان

شبکه «سی.ان.ان» در سال ۱۹۸۰، در آتلانتا و با گرایشی لیبرال تاسیس شد. «شبکه «سی.ان.ان» که دیدگاهی غربی نسبت به موضوعات مختلف دارد، طبق برآوردی که در سال ۱۹۹۰ انجام شد در خارج از ایالات متحده حدود ۱۵۰ میلیون مخاطب دارد» (Apodaca, 2007: 157). به دلیل تأثیرگذاری شبکه خبری «سی.ان.ان» اصطلاح تأثیر «سی.ان.ان» بسیار مرسوم شده است. «استیون لوینگستون» اصطلاح «تأثیر سی.ان.ان» را برای اشاره به تأثیری به کار برده است که پوشش خبری آن بر سیاست خارجی و دیپلماسی ایالات متحده می‌گذارد. «تأثیر سی.ان.ان» را به برخی از سناریوهای خاص نسبت داده‌اند که به نحوه تأثیرگذاری احتمالی «اخبار زنده» بر سیاستگذاری و افکار عمومی می‌پردازد (مونی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۱۰-۲۰۰). هر چند شبکه «سی.ان.ان» به طیف لیبرال‌ها جریان سیاسی در ایالات متحده قرار دارد، اما بر اساس مدل پلورالیستی این شبکه تلاش می‌کند با برگزاری مناظرات رسانه‌ای، سیاست خارجی دولت را به سمتی سوق دهد که بازتاب‌دهنده منافع کل جامعه آمریکا باشد. همچنین تأثیر اخبار و برنامه‌های سیاسی این شبکه به اندازه‌ای است که نخبگان سیاسی ایالات متحده نمی‌توانند در سیاستگذاری خود در قبال ایران، آن را نادیده بگیرند.

در بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۷، «شبکه «سی.ان.ان» بیش از دوازده هزار گزارش خبری درباره جمهوری اسلامی ایران به اشکال مختلف تصویری و نوشتاری پخش کرده است» (CNN, 2020). شبکه «سی.ان.ان» برای ارائه تصویری خاص از ایران همواره سعی کرده است تا با روسای جمهور ایران، فارغ از این که متعلق به کدام یک از جناح‌های سیاسی ایران باشند، گفتگوی تلویزیونی انجام دهد و با مطرح نمودن پرسش‌های خاص، دیدگاه‌های نخبگان سیاسی خود درباره ایران را به صورت غیرمستقیم به مخاطبان خود القا کند. حتی در برخی از موارد انتشار اخبار جهت‌دار و مغرضانه در دستور کار این شبکه قرار گرفته است. در همین راستا این شبکه خبری با «محمود احمدی نژاد»، رئیس دولت نهم و دهم، نیز چندین گفتگوی ویژه انجام داد. اما زمانی که مترجم «سی.ان.ان» در یکی از سخنرانی‌های «محمود احمدی نژاد» اشتباه فاحشی را

<sup>1</sup> - Steven Livingston

انجام داد خبرنگار این شبکه از ایران اخراج شد. «طی آن اشتباه، مترجم این شبکه عبارت «تکنولوژی هسته‌ای» در سخنرانی رئیس جمهور ایران را به عبارت «تسلیحات هسته‌ای» ترجمه کرده بود» (Covey & Link, 2013: 153). پس از انتخاب «حسن روحانی» به عنوان رئیس جمهور و وعده وی برای حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران، این شبکه با رئیس دولت یازدهم و دوازدهم نیز به گفتگو پرداخت. در آخرین گفتگوی این شبکه خبری با رئیس جمهور کنونی ایران، «حسن روحانی» هزینه خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای برجام را بسیار بالا توصیف کرد و چنین اظهار داشت که «باور ندارد آمریکایی‌ها حاضر باشند چنین هزینه‌ای را پرداخت کنند» (Amanpour, 2017). شبکه خبری «سی. ان. ان» از ابتدا یکی از پشتیبانان رسانه‌ای توافق هسته‌ای برجام بود. حتی پس از ورود «دونالد ترامپ» به کاخ سفید و انتقاد شدید وی از این توافق، «این شبکه خبری طی یک نظرسنجی اعلام کرد که اکثر آمریکایی‌ها خواستار حفظ این توافق مهم هستند. طبق این نظرسنجی، دو سوم مردم آمریکا خواستار آن هستند تا ایالات متحده در این توافق هسته‌ای چندجانبه باقی بماند. همچنین تنها سه تن از هر ده آمریکایی بر این باور هستند که خطر ایران بسیار جدی است. علاوه بر این از میان دموکرات‌ها ۸۰ درصد و از میان جمهوری خواهان ۴۸ درصد بر این عقیده هستند که ایالات متحده نباید از این توافق کنار بکشد» (Struyk, 2017).

گزارش‌های خبری سی. ان. ان درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، «به قانون‌گذاران و دولت ایالات متحده این انگیزه را می‌دهد تا علیه کسانی که ناقضان حقوق بشر معرفی می‌شوند اقدام قاطعانه‌ای انجام دهند» (Shannon, 2017: 114). «تأثیر سی. ان. ان» در زمینه حقوق بشر نشان می‌دهد که به دلیل نهاده شدن ارزش‌های حقوق بشری در نظام بین‌الملل و پیشرفت چشم‌گیر تکنولوژیک در ارتباطات رابطه بین رسانه‌های جمعی، حقوق بشر و سیاست خارجی به گونه‌ای بنیادین تغییر کرده است. همچنین «به دلیل وجود یک اجماع نسبی درباره ارزش‌های حقوق بشری و نیز اهمیت حفاظت از حقوق بشر در ورای مرزهای ملی، اهمیت تصویرسازی شبکه خبری «سی. ان. ان» از وضعیت حقوق بشر در ایران اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. براساس یافته‌های چندین پژوهش، پوشش رسانه‌ای از موضوعات حقوق بشری تأثیر سیستمیک بر سیاست نظامی و اقتصادی خارجی ایالات متحده در دولت‌های ریگان و بوش داشته است» (Balabanova, 2017: 193).

این شبکه خبری بازتاب‌دهنده گفتمان نخبگان سیاسی ایالات متحده درباره تروریسم است. سال‌هاست که ایالات متحده ایران را حامی شماره یک تروریسم در جهان معرفی می‌کند و رسانه‌های ایالات متحده در این زمینه دیدگاه‌های قانون‌گذاران و روسای جمهور ایالات متحده را منتشر کرده و سعی در تقویت این گفتمان دارند. در همین راستا، «شبکه سی. ان. ان» با پخش خبری با تیتراژ ایران به عنوان در صدر حامیان ترور باقی می‌ماند در زمانی که حملات جهانی در حال کاهش هستند ایران را متهم به بی‌ثبات کردن خاورمیانه از طریق گروه‌های مورد حمایتش

نظیر حزب الله می‌کند و جمهوری اسلامی ایران را عامل اصلی منازعات در سوریه، عراق و لبنان معرفی می‌کند» (Gaouette, 2017). زمانی که این نوع از پوشش خبری از سوی رسانه‌ای معتبر نظیر «سی. ان. ان» به صورت مداوم تکرار می‌شود بدیهی است که به تدریج برداشتی تهدید آمیز از ایران در ذهن تمام نخبگان فکری و ابزاری ایالات متحده شکل می‌گیرد و در نتیجه کاخ سفید و کنگره با مشروعیت بیشتری می‌توانند قوانین ضد ایرانی را تصویب و به اجرا بگذارند.

#### ۴-۱-۲- شبکه فاکس نیوز

شبکه خبری فاکس نیوز «در سال ۱۹۹۶ در نیویورک و با گرایش محافظه‌کارانه تأسیس شد» (Mifflin, 1996). «رابرت مرداک، مؤسس این شبکه تلویزیونی، با سرمایه ۱۲ میلیاردی خود، موضعی علنی در برابر توافق هسته‌ای برجام اتخاذ نکرد اما با توجه به این که محتوای رسانه‌هایی همچون «فاکس نیوز» و «وال استریت جورنال» را در کنترل خود دارد، توانست از طریق پخش اخبار و گزارش از این دو رسانه بر ضد این توافق فعالیت کند» (Jett, 2017: 53). این شبکه خبری محافظه‌کار «بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰ بیش از ۱۲۱ هزار گزارش و خبر درباره ایران منتشر کرده است که تقریباً تمامی آنها تصویری منفی از ایران ارائه داده‌اند» (Fox News, ۲۰۲۰).

اخبار و گزارش‌های این شبکه کاملاً بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های نخبگان سیاسی محافظه‌کار و نومحافظه‌کار ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران است. همین گرایش محافظه‌کارانه سبب شده است تا این رسانه خبری مشوق سیاست خارجی کاملاً خصمانه ایالات متحده علیه ایران باشد. در واقع این شبکه سعی می‌کند تا به برداشت‌های آمریکایی‌ها درباره ایران سمت و سوی خاصی بدهد تا همواره حداقل بخشی از آمریکایی‌ها درباره سیاست‌های ایران دارای سو برداشت شوند و درک نادرستی از رفتار ایران در نظام بین‌الملل پیدا کنند. در همین راستا چهره‌های نومحافظه‌کار سیاسی با حضور در این شبکه دیدگاه‌های خصمانه خود علیه ایران تکرار می‌کنند. «جان بولتون»، سفیر دولت «جرج بوش» در سازمان ملل، درباره برنامه هسته‌ای ایران چنین اظهار داشت که «آن چه ما به دنبالش هستیم تحریم‌های اقتصادی است که برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران، برنامه موشکی آن تأثیر بگذارد و سران آن را مورد هدف قرار دهد» (Fayazmanesh, 2008, 2006). این شبکه در شش اکتبر ۲۰۱۱ با پخش برنامه‌ای با عنوان «تهدید جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران» در نظر داشت برنامه هسته‌ای ایران را به عنوان یک تهدید فوری علیه منافع ایالات متحده معرفی کند. «مایکل توین»، خبرنگار آمریکایی، تهیه‌کننده این برنامه چنین ادعا می‌کند که «ایران به راحتی می‌تواند بمب هسته‌ای بسازد» (Cort, 2011). در مارس ۲۰۱۰ شبکه «فاکس نیوز»

<sup>1</sup> - John Bolton

<sup>2</sup> - Threat of Iran's Nuclear Ambitions/ Fox News Videos

<sup>3</sup> - Michael Tobin

در یک آیتم خبری چنین ادعا کرد که سازمان «سی. آی. ای» به این نتیجه رسیده است که ایران با وجود روبرو شدن با برخی از موانع فنی در حال کار برای ساخت بمب هسته ای است و «پنتاگون» نیز درباره نیات جمهوری اسلامی ایران نگران است. اما بعدها مشخص شد که نه تنها ادعای این شبکه نادرست است بلکه سازمان «سی. آی. ای» به نتیجه متضادی دست پیدا کرده است (Boyd, 2014: 111). Barrett, شبکه «فاکس نیوز» که «باراک اوباما» را به عنوان یک رئیس جمهور ضدیهودی به تصویر کشید (McCormack, 2016) از وی برای تلاش به دستیابی به توافق هسته‌ای برجام به شدت انتقاد می‌کند.

این شبکه همواره سعی می‌کند فعالیت‌های منطقه‌ای را با پشتیبانی از تروریسم پیوند دهد. «جان گیسون»<sup>۱</sup> یکی از حامیان سیاست دولت «جرج بوش» در قبال خاورمیانه، با نگارش مقاله‌ای در «فاکس نیوز» چنین استدلال کرد که ایران (یا به عبارت بهتر حزب الله) به رژیم اسرائیل حمله نکرده است بلکه آنها به ایالات متحده حمله کرده‌اند (Parsi, 2007: 14). نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که «بینندگان شبکه خبری «فاکس نیوز» از جمله افرادی هستند که بر این عقیده هستند که ایران یک تهدید است و ایالات متحده باید با آن تهدید برخورد کند» (DiMaggio, 2010: 250). اما نظرسنجی دیگری نشان‌گر آن بوده است که «۵۵ درصد بینندگان شبکه خبری فاکس نیوز از توافق هسته‌ای برجام پشتیبانی می‌کنند» (Jett, 2017: 64). به طور کلی می‌توان گفت که شبکه فاکس نیوز تنها رسانه اصلی در ایالات متحده است که تصویری کاملاً منفی و اهریمنی از ایران به مخاطبان خود ارائه می‌دهد تا از این طریق سیاست خارجی خصمانه ایالات متحده، به خصوص زمانی که جمهوری خواهان (محافظه کاران) در کاخ سفید حضور دارند، علیه ایران را توجیه کند. فارغ از این که چه جناحی در ایران قدرت را به دست گرفته است و جدای از شرایط نظام بین‌الملل، این رسانه آمریکایی همواره درصدد است تا کوچکترین خبر منفی درباره ایران را منتشر کند تا انگاره‌ای ضد صلح و ضد ثبات از ایران در ذهن نخبگان آمریکا حک کند.

#### ۴-۲- مجلات سیاست خارجی

دو مجله فارین پالیسی و فارین افرز، در این مورد دارای اهمیت اصلی هستند در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران نقش ایفا می‌کنند.

#### ۴-۲-۱- فارین پالیسی

نشریه محافظه‌کار «فارین پالیسی» در سال ۱۹۷۰ در واشنگتن دی. سی شروع به انتشار کرد. «فارین پالیسی» (یا سیاست خارجی) نام مجله خبری سیاسی-اقتصادی است که بنیان‌گذاران آن

<sup>1</sup> - John Gibson

«ساموئل هانتینگتون»، استاد دانشگاه هاروارد و تندروری سابق و دوست نزدیکش «وارن دمین منشل» می‌باشند و هر دو ماه یک‌بار منتشر می‌شود. ماموریت و هدف این نشریه سیاسی به چالش کشیدن دیدگاه‌های معمول و فراهم کردن تریبونی برای دیدگاه‌های جایگزین و نوین بود. «هانتینگتون» امیدوار بود «فارین پالیسی» به «نشریه جدی و نه علمی، و پر شور و هیجان و نه بی محتوا و سطحی تبدیل شود». «انتشار این مجله از سال ۱۹۷۰ آغاز گردید و از سال ۲۰۰۰ تحت مالکیت موسسه «کارنگی برای صلح بین‌المللی»<sup>۱</sup> بود. در ابتدا بصورت فصلنامه چاپ می‌شد ولی از سال ۲۰۰۰ هر دو ماه یک‌بار منتشر می‌شود. عمده مقالات آن در ارتباط با سیاست جهان و امور اقتصادی است. در سال ۲۰۰۸ «شرکت واشنگتن پست» آن را خریداری کرد و در سال ۲۰۱۳ به بخشی از «شرکت گراهام هلدینگ»<sup>۲</sup> تبدیل شد (The FP Group, 2017). بدان جهت که این نشریه به طیف محافظه‌کاران در ایالات متحده قرار دارد، بدیهی است که این مجله سیاست خارجی، بازتاب دهنده ایده‌های نخبگان فکری و ابزاری واقع‌گرا و جمهوری‌خواه ایالات متحده باشد. در نتیجه «دور از انتظار نیست که ایده مهار ایران در این نشریه بیشتر از مجله فارین افرز به چشم بخورد. در بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۷ مطالبی که در این مجله منتشر شده است نزدیک به ۷۲ هزار مرتبه، به طور مستقیم یا غیرمستقیم به نام ایران اشاره شده است» (Foreign Policy, 2020).

مجله «فارین پالیسی» کشورهای مختلف را براساس این که در چه مرحله‌ای برای تبدیل شدن به یک دولت شکست‌خورده قرار دارند تقسیم‌بندی می‌کند و آنها را در «فهرست دولت‌های شکست‌خورده»<sup>۳</sup> دسته‌بندی می‌کند. بر اساس این فهرست کشورها بسته به امکان تبدیل شدنشان به یک دولت شکست‌خورده در چهار دسته قرار می‌گیرند که عبارت است از: «اثبات»، «در مرز»، «در خطر»، «بحرانی». در فهرست سال ۲۰۰۹، جمهوری اسلامی ایران در طبقه کشورهای «بحرانی» قرار گرفت که قصد دارند رآکتور هسته‌ای بسازند (Webersik, 2010: 104). فارغ از این تقسیم‌بندی، فارین پالیسی در تلاش بوده است تا تصویر واقع‌بینانه‌ای از برنامه هسته‌ای ایران ارائه دهد. به طور مثال، زمانی که در اکتبر سال ۲۰۰۷، «محمد البرادعی»، رئیس وقت «آژانس انرژی

<sup>1</sup> - Samuel Huntington

<sup>2</sup> - Warren Demian Manshel

<sup>3</sup> - Carnegie Endowment for International Peace

<sup>4</sup> - Graham Holdings Company

<sup>5</sup> - Failed States Index

<sup>6</sup> - Stable

<sup>7</sup> - Borderline

<sup>8</sup> - In Danger

<sup>9</sup> - Critical

هسته ای»، اظهار داشت که نگران لفاظی‌های ایالات متحده در قبال ایران است «فارین پالیسی» احتمال واکنش نظامی ایالات متحده به برنامه هسته‌ای ایران را پایین ارزیابی کرد. «در همان زمان «فارین پالیسی» با انتشار نظرسنجی نشان داد که از دخالت نظامی در ایران حمایت اندکی خواهد شد» (Miskimmon & Others, 2014: 136). در همین راستا مجله «فارین پالیسی» گزارش داد که «جامعه اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا گزارش سال ۲۰۰۷ «برآورد اطلاعات ملی» درباره قابلیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را به روز کرده است. در آن گزارش چنین ادعا شده بود که جمهوری اسلامی ایران برنامه هسته‌ای خود را در سال ۲۰۰۳ متوقف کرده است» (NTI, 2011).

پس از توافق هسته‌ای برجام، «فارین پالیسی» از امضای این توافق پشتیبانی کرده است. این حمایت تا جایی پیش رفته است که این نشریه برای راضی نگه داشتن اسرائیل، این توافق را نعمتی برای رژیم اسرائیل توصیف کرده است و چنین ادعا کرده است که پس از امضای توافق اسرائیل و منطقه امن تر شده است. این ادعا در مقاله ای تحت عنوان «توافق هسته‌ای ایران یک نعمت برای اسرائیل بوده است» نوشته «کارمی گیلون»، افسر نظامی رژیم اسرائیل، مطرح شده است. «گیلون» در مقاله خود اذعان می‌کند که «پس از گذشت دو سال، توافق هسته‌ای به موفقیت آشکاری دست پیدا کرده است» (Gillon, 2017). علاوه بر این «فارین پالیسی» می‌پذیرد که دستیابی به یک توافق بهتر با جمهوری اسلامی ایران یک «افسانه»<sup>۱</sup> است. این نشریه بر این موضوع تأکید می‌کند که فشار بیشتر از سوی دولت «دونالد ترامپ» سبب دستیابی به یک نتیجه بهتر نمی‌شود و تهدید به نابودی توافق هسته‌ای ثمره‌ای در پی نخواهد داشت. علاوه بر این «فارین پالیسی» تصریح می‌کند که از «یک سو جامعه بین‌المللی از درخواست‌های حداکثری دولت ترامپ پشتیبانی اندکی خواهد کرد و از سوی دیگر حکومت ایران ترجیح می‌دهد که تحت تحریم‌های شدید بین‌المللی قرار داشته باشد تا این که «تسلیم»<sup>۲</sup> خواسته‌های ایالات متحده شود چرا که حکومت ایران تسلیم کامل در برابر خواسته‌های ایالات متحده را برای حفظ جمهوری اسلامی ایران خطرناک‌تر از تحریم‌های بین‌المللی ارزیابی می‌کند» (Kahl, 2017). بنابراین «مکس بوت»<sup>۳</sup> پژوهشگر «شورای روابط خارجی»<sup>۴</sup> و نویسنده این نشریه، به دولت ترامپ توصیه می‌کند

<sup>1</sup> - The Iran Nuclear Deal Has Been a Blessing for Israel

<sup>2</sup> - Carmi Gillon

<sup>3</sup> - Myth

<sup>4</sup> - Capitulation

<sup>5</sup> - Max Boot

<sup>6</sup> - Council of Foreign Relations

که «همزمان با حفظ توافق هسته‌ای، به رژیم ایران حمله کند». منظور وی از حمله، جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه توسط ایالات متحده است. وی بر این موضوع تأکید می‌کند که خروج از توافق هسته‌ای، نه ایران، بلکه ایالات متحده را منزوی می‌کند. «بوت» بر این باور است که بدون یک تهدید نظامی معتبر ایران بار دیگر درباره برنامه هسته‌ای اش مذاکره نخواهد کرد اما در عین حال ایالات متحده برای نابودی تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با گزینه‌های آسانی روبرو نیست» (Boot, 2017). همچنین، این نشریه در یکی از گزارش‌های سال ۲۰۲۰ خود اذعان کرد که «قدرت‌های بزرگ از پیش‌نویس تمدید تحریم تسلیحاتی ایران که توسط دولت ترامپ در میان اعضای شورای امنیت توزیع شده است، پشتیبانی نکرده‌اند» (Foreign Policy, 2020).

#### ۴-۲-۲- فارین افرز

فارین افرز در سال ۱۹۲۲ در شهر نیویورک و با گرایش لیبرال فعالیت خود را آغاز نمود. «فارین افرز، یک نشریه روابط بین‌الملل است که هر سال شش بار در نیویورک منتشر می‌شود. «شورای روابط خارجی»، یکی از اتاق‌های فکر در ایالات متحده، که در سال ۱۹۲۲ تاسیس شد انتشار این مجله معتبر را بر عهده دارد. این مجله، و همچنین وب سایت این مجله، تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی ایالات متحده و جهان را تحلیل می‌کند. بسیاری از ایده‌های که در «فارین افرز» مطرح می‌شود معمولاً در سیاست‌ها و قانون‌های مصوب کنگره ایالات متحده بازتاب پیدا می‌کند» (Britannica, 2017). از آنجایی که شورای روابط خارجی یک اندیشکده دو حزبی به شمار می‌رود هر دو گرایش لیبرال (حزب دموکرات) و محافظه‌کار (حزب جمهوری خواه) در آن دیده می‌شود. با این وجود وزنه لیبرال‌ها در آن سنگین‌تر است. بنابراین بدیهی است مجله‌ای که توسط این اندیشکده منتشر می‌شود اشاعه دهنده افکار نخبگان لیبرال باشد تا بتواند سیاست‌های دولت فدرال در حوزه سیاست خارجی را در مدار ایده‌آل‌های حزب دموکرات قرار دهد. به طوری کلی مخاطب «فارین افرز» نخبگان و پژوهشگران سیاست خارجی در ایالات متحده هستند. از همین رو مقالات منتشر شده در آن می‌تواند در شکل‌دهی به برداشت‌ها و ادراکات نخبگان سیاست خارجی بسیار تأثیرگذار باشد.

مجله «فارین افرز» تا کنون درباره برنامه هسته‌ای ایران بیش از ۸۰۰ گزارش و مقاله منتشر کرده است. صاحب‌نظرانی همچون «کنث والتز»، «رابرت جرویس»، «گیدئون رز»، «سوزان مالونی» درباره برنامه هسته‌ای ایران در این نشریه مقالاتی را به رشته تحریر درآورده‌اند. «کنث

<sup>1</sup> - Kenneth Waltz

<sup>2</sup> - Robert Jervis

<sup>3</sup> - Suzanne Maloney

والتر» در سال ۲۰۱۲ با انتشار مقاله‌ای با عنوان «چرا ایران باید به بمب دست پیدا کند» چنین استدلال می‌کند که دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای سبب ثبات در منطقه خاورمیانه می‌شود. وی در توضیح استدلال خود چنین می‌افزاید که اگر ایران هسته‌ای شود، اسرائیل (دارای تسلیحات هسته‌ای) و ایران «مانع» یکدیگر می‌شوند همان طور که قدرت‌های هسته‌ای دیگر چنین کاری می‌کنند. وی می‌افزاید که «تاکنون یک جنگ تمام عیار بین دو دولت هسته‌ای هرگز اتفاق نیفتاده است» (Waltz, 2012: 31). به باور وی زمانی که ایران از آستانه هسته‌ای عبور کند بازدارندگی اعمال خواهد شد حتی اگر ایران به یک سلاح هسته‌ای کوچک دست پیدا کرده باشد. به عقیده وی در چنین مرحله‌ای هیچ کشور دیگری در منطقه انگیزه دستیابی به قابلیت هسته‌ای را نخواهد داشت و در نتیجه بحران فعلی محو خواهد شد و در نهایت منطقه خاورمیانه به ثبات می‌رسد (Waltz, 2012: 31). «رابرت جرویس» نیز در سال ۲۰۱۳، پس از امضای توافق موقت ژنو، با نگارش مقاله‌ای در این نشریه بر این موضوع تأکید کرد که «موفقیت این توافق تضمین شده نیست و موفقیت آن به سیاست داخلی ایالات متحده و ایران بستگی دارد» (Jervis, 2013).

پس از امضای توافق هسته‌ای برجام، «فارین افرز» در گزارشی دیدگاه‌های کارشناسان روابط بین‌الملل در ایالات متحده درباره این که «آیا کنگره باید توافق ایران را تایید کند؟» را منتشر کرد. طبق این گزارش ۳۲ کارشناس کاملاً موافق، پنج کارشناس موافق، چهار کارشناس بی طرف، شش کارشناس مخالف و پنج کارشناس کاملاً مخالف بودند. «گراهام آلیسون»، استاد دانشگاه هاروارد و رئیس «مرکز علوم و امور بین‌الملل بلفرا»، از این توافق پشتیبانی کامل کرده است و چنین ادعا می‌کند که این توافق راه دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای را بسته است. «لارنس فریدمن»، استاد دانشگاه «کینگز کالج لندن» و از موافقان توافق، چنین اظهار داشته است که هیچ توافقی کامل نیست ولی هم اکنون به آن مرحله رسیده‌ایم! همچنین بر اساس این برآورد، «رابرت جرویس»، استاد دانشگاه کلمبیا، «جان مرشایمر»، «جوزف نای»، «بری پوزن» و «استفن

<sup>1</sup> - Why Iran Should Get the Bomb

<sup>2</sup> - Deter

<sup>3</sup> - Graham Allison

<sup>4</sup> - Belfer Center for Science and International Affairs

<sup>5</sup> - Lawrence Freedman

<sup>6</sup> - King's College London

<sup>7</sup> - John Mearsheimer

<sup>8</sup> - Joseph Nye

<sup>9</sup> - Barry Posen



ون اورا<sup>۱</sup>، اساتید دانشگاه ام. آی. تی و «استفن والت»<sup>۲</sup> از جمله اندیشمندان روابط بین‌الملل حامی این توافق هستند. از مخالفان این توافق می‌توان به تحلیل‌گران سیاسی نظیر «الیوت آبرامز»<sup>۳</sup>، پژوهشگر مطالعات خاورمیانه در شورای روابط خارجی، «الیوت کوهن»<sup>۴</sup> (رابرت اُزگود)، استاد مطالعات استراتژیک در دانشگاه جانز هاپکینز، «مایکل دوران»<sup>۵</sup>، پژوهشگر موسسه هادسون و «مارک دوبوویتز»<sup>۶</sup>، مدیر اجرایی بنیاد دفاع از دموکراسی اشاره کرد (Foreign Affairs, 2015).

بدیهی است مقالات این نشریه معتبر سیاست خارجی به موضوع هسته‌ای ایران محدود نمی‌شود. بسیاری از مقالات «فارین افروز» در سال‌های اخیر به شیوه‌های مقابله با جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته است. در یکی از مقالات با عنوان «چگونه ترامپ باید ایران را مهار کند»<sup>۱</sup> به دولت ترامپ توصیه شده است که برای مهار ایران فشار اقتصادی بر ایران حفظ شود و در قبال ایران یک دیپلماسی عمومی با هدف مشروعیت‌زدایی از نظام سیاسی ایران در پیش گرفته شود. در همین راستا نویسندگان این مقاله به دولت ترامپ اهمیت لزوم همکاری با اپوزیسیون را یادآوری می‌کنند و بر این موضوع تأکید می‌کنند که «دولت ایالات متحده آمریکا باید بین اپوزیسیون داخل و اپوزیسیون خارج از ایران ارتباط برقرار کند» (Joseph & Takeyh, 2016). همچنین در مقاله دیگری که در این نشریه منتشر شده است بر بازگشت راهبرد «بازدارندگی» به سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران تأکید شده است. در این چارچوب ایالات متحده بایستی به جای لغو توافق هسته‌ای، اجرای سخت‌گیرانه آن را، که متضمن شفافیت و پاسخ‌گویی بیشتر ایران باشد، در دستور کار خود قرار دهد. در همین راستا «در گام نخست کنگره و دولت ترامپ باید تحریم‌های غیرهسته‌ای، به دلیل برنامه موشکی، نقض حقوق بشر و پشتیبانی از تروریسم بین‌الملل، را افزایش دهند و در دومین گام، ایالات متحده باید با تشکیل یک کمپین عمومی تخلفات ایران از توافق هسته‌ای را برجسته سازد و در گام سوم، ایالات متحده باید با اسرایل و دولت‌های عربی یک ائتلاف مشترک برای مقابله با ایران تشکیل دهد و نهایتاً در گام آخر دولت ترامپ باید ایران را در معرض یک تهدید نظامی معتبر قرار دهد» (Kahn, 2017). در یکی از جدیدترین مقالات این نشریه، سیاست خارجی دولت ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس توصیه این مقاله، «ایالات متحده باید درک کند همیشه نمی‌تواند تحولات را بر اساس آنچه خودش می‌خواهد شکل بدهد اما با در نظر گرفتن آسیب

<sup>1</sup> - Stephen Van Evera

<sup>2</sup> - Stephen Walt

<sup>3</sup> - Elliott Abrams

<sup>4</sup> - Eliot Cohen

<sup>5</sup> - Michael Doran

<sup>6</sup> - How Trump Should Contain Iran

پذیری حکومت ایران، واشنگتن هنوز قادر است نقش قابل توجهی کاهش قدرت حکومت ایران ایفا کند. ایالات متحده برای تغییر حکومت در ایران نمی‌تواند سازوکار دقیقی انتخاب کند و نمی‌تواند دقیقاً پیش‌بینی کند که چه چیزی جایگزین آن خواهد شد اما می‌تواند با ایفای نقش موثر روی هر دو آنها تأثیر گذار باشد» (Edelman & Takeyh, 2020). این موارد نشان می‌دهد که «دولت ترامپ سعی کرده است از طریق تبلیغات رسانه‌ای در سطح وسیع، توافق هسته‌ای با ایران را ناقص نشان دهد تا متحدین خود را برای پیوستن به کمپین «فشار حداکثری» علیه ایران ترغیب کند» (جوانشیری و بصیری، ۱۳۹۸: ۵۵).

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش این موضوع مورد بحث قرار گرفت که مهمترین رسانه‌های جمعی در ایالات متحده چه تصویری از جمهوری اسلامی ایران در یک دهه اخیر ارائه داده‌اند. طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰ رسانه‌های اصلی ایالات متحده عمده‌ترین موضوعات مرتبط با ایران نظیر برنامه هسته‌ای، تروریسم، حقوق بشر و وضعیت دموکراسی را پوشش داده‌اند. با این حال به دلیل اهمیت برنامه هسته‌ای، ارتباط آن با اشاعه هسته‌ای در خاورمیانه و امنیت و ثبات در این منطقه، رسانه‌های آمریکایی توجه ویژه‌ای به آن داشته‌اند به طوری که هر خبر مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را پوشش داده‌اند. می‌توان چنین برداشت کرد که رسانه‌های آمریکایی در خصوص موضوعات مرتبط با ایران سخنگوی نخبگان سیاسی اقتصادی ایالات متحده بوده‌اند. به طور مثال، تا پیش از توافق هسته‌ای برجام رسانه‌های ایالات متحده، همانند نخبگان (ابزاری) سیاسی در خطر یک ایران هسته‌ای را برجسته می‌کردند و شیوه‌های مقابله با ایران را به بحث می‌گذاشتند. اما پس از توافق هسته‌ای، همانند نخبگان (ابزاری) سیاسی، بر حفظ آن تأکید می‌ورزند. علاوه بر این پس از توافق هسته‌ای، رسانه‌های ایالات متحده در بخش‌های خبری خود، و یا مقالات و گزارش‌های خود، بر نفوذ منطقه‌ای و وضعیت دموکراسی در ایران تمرکز کرده‌اند. این رویکرد رسانه‌ای دقیقاً همان مسیری است که نخبگان سیاسی ایالات متحده پس از توافق هسته‌ای پیموده‌اند.

در همین حال برخی از رسانه‌های جمعی اصلی ایالات متحده، از برخی دیگر از این دسته رسانه‌ها، از نفوذ و تأثیرگذاری بیشتری برخوردار هستند. به طور مثال یافته‌های یکی از پژوهش‌های انجام شده درباره برداشت مردم آمریکا از ایران نشان می‌دهد که تصویرسازی رسانه‌های جمعی ایالات متحده از برنامه هسته‌ای ایران، از تصویرسازی دیگر رسانه‌ها از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار بوده است. براساس این پژوهش اخبار اینترنتی، روزنامه‌های چاپی، شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های خبری تلویزیونی نسبت به وبلاگ‌های اینترنتی، رادیو و مجلات از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار بوده‌اند. البته از میان این دسته از رسانه‌ها، شبکه‌های تلویزیونی،

به دلیل فراگیری و جذابیت، بیشترین تأثیر را بر مخاطبان بر جای گذاشته‌اند. در همین راستا پخش اخبار فوری توسط شبکه‌های تلویزیونی، دسترسی آنها به مقامات حکومتی، ارتباط با افراد آگاه در نهادهای حکومتی از یک سو و علاقه وافر افراد عادی به شبکه‌های تلویزیونی، جذابیت بصری تلویزیون و دسترسی آسان‌تر افراد به شبکه‌های تلویزیونی سبب شده است که این شبکه‌ها از تأثیرگذاری بیشتری بر افکار عمومی برخوردار باشند. به همین جهت نخبگان سیاسی اقتصادی تلاش می‌کنند، بسته به موضوعات مطرح در جامعه، در بخش‌های مختلف خبری تلویزیونی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی حضور پیدا کنند. به طور نمونه، پس از امضای توافق هسته‌ای برجام باراک اوباما با بهره‌گیری از پخش زنده شبکه‌های تلویزیونی ایالات متحده توانست این توافق را برای آمریکایی‌ها تشریح کند. همچنین شبکه‌های خبری تلویزیونی و مجلات حوزه سیاست خارجی خروج آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌های سنگین اقتصادی علیه ایران توسط دولت ترامپ را به طور کامل پوشش داده و در گزارشات متنوع تفسیر مختلفی از این اقدام ترامپ ارائه دادند.

نهایتاً این که رسانه‌های جمعی ایالات متحده در طول سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰ کاملاً با سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران هماهنگ بودند، به گونه‌ای که آنها در چارچوب ایدئولوژیک نخبگان سیاسی اقتصادی عمل کرده و عمدتاً به منابع خبری مرتبط با حلقه نخبگان وابسته بودند. طی این سال‌ها، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور متخاصم که به دنبال دستیابی به تسلیحات هسته‌ای است در رسانه‌های جمعی ایالات متحده به تصویر کشیده شده است. با این وجود پس از توافق هسته‌ای برجام اکثر رسانه‌های جمعی ایالات متحده، به غیر از رسانه‌های به شدت محافظه کار نظیر «فاکس نیوز»، همگام با دولت باراک اوباما از این توافق پشتیبانی کردند، هرچند به انتقاد از سیاست‌های منطقه‌ای ایران ادامه دادند. با آغاز ریاست جمهوری دولت ترامپ، رسانه‌های جمعی ایالات متحده گزارش‌هایی در جهت حمایت از سیاست ترامپ علیه توافق هسته‌ای برجام منتشر و به طور مداوم بر دستیابی به یک توافق جدید با ایران تأکید کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که فرضیه پژوهش مبنی بر تأثیرگذاری رسانه‌های آمریکایی بر نخبگان سیاسی آمریکا و همچنین تأثیرپذیری آنها از دیدگاه‌های نخبگان سیاسی آمریکا در جهت ایجاد یک تصویر مخدوش و منفی از ایران، فارغ از اینکه کنگره و کاخ سفید تحت کنترل دموکرات‌ها یا جمهوری خواهان باشد، در دو دهه اول قرن بیست و یکم قابلیت تأیید دارد.

### منابع فارسی

- جوانشیری، امیرصدر، محمدعلی بصیری (۱۳۹۸)، «مقایسه نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در دوران باراک اوباما و دونالد ترامپ (با تأکید بر توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران)»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، دوره ۱۶، شماره ۱، شماره پیاپی ۶۱،

تابستان، صص ۶۱-۳۱.

- درج، حمید، رضا التیامی‌نیا (۱۳۹۸)، «تبیین جایگاه راهبردی اسرائیل در سیاست تسلیحاتی آمریکا در خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، سال ۱۶، شماره ۱ (۶۱)، تابستان، صص ۱۰۳-۱۲۵.

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۰)، «واقع‌گرایی نو کلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۵، شماره ۲، تابستان، صص ۲۹۴-۲۷۵.

- سپهری، محمدباقر (۱۳۹۷)، «بازنمایی ایران در اخبار شبکه‌های تلویزیونی آمریکا (تحلیل گفتمان انتقادی اخبار سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی در ارتباط با توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱)»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال بیست و پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۹۵)، پاییز، صص ۱۹۱-۲۲۰.

- فرقانی، محمدمهدی، علی احمدی (۱۳۹۰)، «تصورسازی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های تلویزیونی بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال هجدهم، شماره ۳ (پیاپی ۶۷)، پاییز، صص ۹۰-۶۳.

- موحد، هادی (۱۳۶۳)، *دو سال آخر: رفرم تا انقلاب*، تهران: امیرکبیر.

- مونی و دیگران (۱۳۹۴)، *دانشنامه جهانی شدن*، علیرضا طیب، تهران: امیرکبیر.

#### English References

- Amanpour, Christian (2017), "Iran's Rouhani: US will pay a high cost if Trump scraps nuclear deal", *CNN*, <https://edition.cnn.com/2017/09/18/middleeast/iran-deal-rouhani-amanpour-interview/index.html>, Access: 2/11/2017.

- Apodaca, Clair (2007), "The Whole World Could Be Watching: Human Rights and the Media", *Journal of Human Rights*, 6, pp.147-164.

- Balabanova, Ekaterina (2017), "Foreign Policy, Media and Human Rights", in: Tumber, Howard, Waisbord, Silvio (Ed), *the Routledge Companion to Media and Human Rights*, New York, Taylor & Francis.

- Boot, Max (2017), "Keep the Iran Deal, Attack the Regime", *Foreign Policy*, <http://foreignpolicy.com/2017/10/02/keep-the-iran-deal-attack-the-regime>, Access: 10/11/2017.

- Boyd-Barrett, Oliver (2014), *Media Imperialism*, New York: Sage Publication.

- *Britannica* (2017), "Foreign Affairs Journal", *Britannica*, <https://www.britannica.com/topic/Foreign-Affairs-journal>, Access: 10/11/2017.

- *CNN* (2020), "Displaying results 1-10 out of 12625 for Iran",

<https://edition.cnn.com/search?q=Iran>

- Cort, Hugh (2011), *the American Hiroshima*, New York: iUniverse.
- Covey, Stephen M. R., Greg Link (2013), *Smart Trust*, New York: Simon & Shuster.
- Dada, Farideh (2007), "Iran in U. S. media: a framing analysis of Newsweek, Time, and - The New York Times", *Master's Theses*, San Jose State University.
- Dagnes, Alison (2010), *Politics on Demand: The Effects of 24-hour News on American Politics*, Santa Barbara: Praeger.
- DiMaggio, Anthony (2010), *When Media Goes to War: Hegemonic Discourse, Public Opinion, and the Limits of Dissent*, New York: NYU Press.
- Dorman, William A. & Mansour Farhang (1988), *the U.S. Press and Iran: Foreign Policy and the Journalism of Deference*, Los Angeles: University of California Press.
- Fayyaz, Sam & Roozbeh Shirazi (2013), "Good Iranian, Bad Iranian: Representations of Iran and Iranians in Time and Newsweek (1998–2009)", *Iranian Studies*, 46:1, pp. 53-72.
- Fayazmanesh, Sasan (2008), *the United States and Iran: Sanctions, Wars and the Policy of Dual Containment*, New York: and Rutledge.
- *Foreign Affairs*, September 7 (2015), "Should Congress Approve the Iran Deal?", <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2015-09-07/should-congress-approve-iran-deal>, Access: 11/11/2017.
- Joseph, Robert & Ray Takeyh (2016), "How Trump Should Contain Iran", *Foreign Affairs*, <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2016-12-15/how-trump-should-contain-iran>, Access: 12/11/2017.
- Kahn, Tzvi (2017), "How Trump Can Win in Iran", *Foreign Affairs*, <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2017-02-16/how-trump-can-win-iran>, Access: 12/11/2017.
- Edelman, Eric & Ray Takeyh (2020), "The Next Iranian Revolution; Why Washington Should Seek Regime Change in Tehran", *Foreign Affairs*, <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2020-04-13/next-iranian-revolution>
- *Foreign Policy* (2020), "71,852 search results", [https://foreignpolicy.com/?s=Iran#start\\_date=1167597000&end\\_date=1592854200](https://foreignpolicy.com/?s=Iran#start_date=1167597000&end_date=1592854200)
- *Foreign Policy* (2020), "Trump Administration Unveils Security Council Resolution Extending Iran Arms Embargo", <https://foreignpolicy.com/2020/06/23/trump-iran-nuclear->

- united-nations-european-allies-russia-china-sanctions/
- Fox News (2020), "Showing 10 out of 121,000 results found for", <https://www.foxnews.com/search-results/search?q=Iran>
  - Gaouette, Nicole (2017), "Iran remains top terror sponsor as global attacks decline", *CNN*, <https://edition.cnn.com/2017/07/19/politics/state-country-terror-report/index.html>, Access: 2/11/2017.
  - Gilboa, Eytan (2003), "Television News and U.S. Foreign Policy", *Press/Politics*, 8(4), Fall, pp. 97-113.
  - Gillon, Carmi (2017), "The Iran Nuclear Deal Has Been a Blessing for Israel", *Foreign Policy*, <http://foreignpolicy.com/2017/07/13/the-iran-nuclear-deal-has-been-a-blessing-for-israel-jcpoa/>, Access: 10/11/2017.
  - Izadi, Foad & Hakimeh Saghaye-Biria (2007), "A Discourse Analysis of Elite American Newspaper Editorials: The Case of Iran's Nuclear Program", *Journal of Communication Inquiry*, Volume 31, Number 2, April, pp. 140-165.
  - Jervis, Robert (2013), "On the Road to Yes with Iran", *Foreign Affairs*, <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2013-11-29/road-yes-iran>, Access: 11/11/2017.
  - Jett, Dennis C. (2017), *the Iran Nuclear Deal: Bombs, Bureaucrats, and Billionaires*, New York: Palgrave McMillan.
  - Kahl, Colin (2017), "The Myth of a 'Better' Iran Deal", *Foreign Policy*, <http://foreignpolicy.com/2017/09/26/the-myth-of-a-better-iran-deal/>, Access: 10/11/2017.
  - Maloney, Suzanne (2019), "1979: Iran and America", *BROOKINGS*, <https://www.brookings.edu/opinions/1979-iran-and-america/>
  - McCormack, James (2016), *Unexpected Treason: Barack Hussein Obama*, New York: BookBaby.
  - Mifflin, Lawrie (1996), "At the new Fox News Channel, the buzzword is fairness, separating news from bias", *The New York Times*, <http://www.nytimes.com/1996/10/07/business/at-the-new-fox-news-channel-the-buzzword-is-fairness-separating-news-from-bias.html>. Access: 3/11/96.
  - Miskimmon, Alister & Ben O'Loughlin & Laura Roselle (2014), *Strategic Narratives: Communication Power and the New World Order*, New York: Routledge.

- 
- NTI (2011), "Iran Nuclear Chronology", Nuclear Threat Initiative, [https://www.nti.org/media/pdfs/iran\\_nuclear.pdf?\\_=1316542527](https://www.nti.org/media/pdfs/iran_nuclear.pdf?_=1316542527), Access: 9/11/2017.
  - Nye, Joseph (2019), "Soft Power and Public Diplomacy Revisited", Jian Wang, Jan Melissen, *Debating Public Diplomacy: Now and Next*, Boston: BRILL NIJHOFF.
  - Parsi, Trita (2007), *Treacherous Alliance: The Secret Dealing of Israel, Iran, and the United States*, New York: Yale University Press.
  - Ripsman, Norrin M. & Jeffrey W. Taliaferro & Steven E. Lobell (2016), *Neoclassical Realist Theory of International Politics*, New York: Oxford University Press.
  - Sevin, Efe (2017), *Public Diplomacy and the Implementation of Foreign Policy in the US, Sweden and Turkey*, New York: Palgrave.
  - Shannon, Kelly J. (2017), *US Foreign Policy and Muslim Women's Human Rights*, New York: University of Pennsylvania.
  - Siraj, Syed Abdul & Bakht Rawan (2010), "The Image of Iran in Op-Ed Pages of Elite US Newspapers", *Media Asia*, 37:2, pp. 85-93.
  - Struyk, Ryan (2017), "CNN poll: Two-thirds want to stay in Iran nuclear deal", *CNN*, at: <https://edition.cnn.com/2017/10/20/politics/poll-trump-iran-deal-north-korea/index.html>, Access: 2/11/2017.
  - The FP Group (2017), "History", *Foreign Policy*, at: <https://fpgroup.foreignpolicy.com/about/history/>, Access: 8/11/2017.
  - Volkmer, Ingrid (2015), "CNN", in: Donsbach, Wolfgang, *the Concise Encyclopedia of Communication*, New York: John Wiley & Sons Inc.
  - Waltz, Kenneth (2012), "Why Iran Should Get the Bomb", *Foreign Affairs*, July/August, at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2012-06-15/why-iran-should-get-bomb>
  - Webersik, Christian (2010), *Climate Change and Security: A Gathering Storm of Global Challenges*, New York: ABC-CLIO.
  - Zhang, Cui & Meadows, William Charles (2012), "International Coverage, Foreign Policy, and National Image: Exploring the Complexities of Media Coverage, Public Opinion, and Presidential Agend", *International Journal of Communication*, 6, pp. 76-95.

*Archive of SID*